



ناسیونالیزم کرد در نقش قیم جامعه!

ملکه عزتی

صفحه ۳

در رابطه با ضرورت سازماندهی محلات!

اسماعیل ویسی

صفحه ۵

جمهوری اسلامی، رژیم اعدام، زندان، شکنجه!

سعید یگانه

صفحه ۸

"تحریم قند و شکر وارداتی!"

سیاستی غیر کارگری و ناسیونالیستی

سیاوش دانشور

صفحه ۹

کمونیست می پرسد!

در باره اعتراضات در کردستان عراق علیه فقر و

بیکاری

صالح سرداری

صفحه ۱۰

اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست

در حمایت از اعتراضات مردم شهرهای کردستان عراق

صفحه ۱۱

اختلاف در حزب

کمونیست ایران و

کومه له

همایون گدازگر

تحولات اجتماعی و تحرکات توده ای جامعه ایران و باور گسترده در جامعه در باره پایان عمر جمهوری اسلامی، موجب تحرک و جنب و جوش در احزاب سیاسی چپ و راست شده است. اگرچه تلاش برای جانمایی و آلترناتیو جمهوری اسلامی محور این تحرکات است، اما خود این مسئله در احزاب سیاسی عمدتاً باعث شکاف و اختلاف و در نهایت طرح آلترناتیوها مختلف می شود. که در واقع ناشی از وجود افق‌های متفاوت در این جریان است. سر باز کردن دوباره اختلاف در حزب کمونیست ایران اگر چه در پایه ای ترین سطح از همین شرایط کنونی جامعه ناشی می شود، اما در عین حال تاریخ و گذشته خاص و منحصر به فرد خود را هم دارد که بدون بررسی آنها اختلافات کنونی قابل توضیح نخواهد بود.

کومه له از بدو پیدایش و بخصوص از مقطع انقلاب ۵۷ و تشکیل حزب کمونیست تحت تاثیر سیاست، امیال و خواسته‌های طبقات متضاد جامعه کردستان به زندگی سیاسی خود ادامه داده است. آنچه دبیر اول کومه له در گفتگو با رادیو دیالوگ به عنوان وجود اختلاف همیشگی در حزب کمونیست ایران به آن اشاره می کند، در واقع انعکاس تضاد دو سیاست مختلف و متضاد در تمام دوران‌های حیات حزب کمونیست ایران است. که البته او می خواهد با ساده کردن و بدبهی قلمداد کردن این اختلافات آن را تا سطح اختلاف سلیقه و یا بد فهمی

صفحه ۲

اختلاف در حزب کمونیست ایران و کومه له

همایون گدازگر



عدالتخواهی و حقیقت، نسل جدید در حزب کمونیست ایران جواب خیلی از سؤال‌های خود را آنجا خواهند یافت. به این ترتیب این تنها جنبش ناسیونالیستی نیست که در صف حزب کمونیست و کومه له ناسیونالیست تولید می‌کند. بلکه جنبش سوسیالیستی جامعه کردستان با تکیه بر این تاریخ و کوهی از سیاست و روش کمونیستی در عین حال به تولید کمونیست و منتقد ناسیونالیسم مشغول بوده است. تجربه چند دهه گذشته حتی پس از انشعاب جریان کمونیسم کارگری این واقعیت را جلو چشم همگان گذاشته است. لکنت زبان رفقای چپ ما در درون حزب کمونیست ایران در دفاع سرراست و جسورانه از این واقعیت‌های تاریخی چیزی از ادامه و اهمیت این روند کم نمی‌کند.

اما سرنوشت کومه له بعنوان جریان‌ی که در جامعه کردستان بعنوان جریان‌ی عدالتخواه و آزادیخواه، طرفدار کارگر و زحمتکش و برابری زن و مرد و خوشنام شناخته می‌شد، هنوز در جامعه از دست نرفته است. دخالت سیاسی در این جدال باید برای صف کمونیست‌ها در ایران و کردستان مهم باشد. همانطور که برای جبهه ناسیونالیسم کرد مهم است و در تقابل اخیر از هیچ کمک و راهنمایی‌ای به آن کوتاهی نمی‌کنند. نباید گذاشت کومه له به آسانی تحویل ناسیونالیسم کرد داده شود.

اما علیرغم برشمردن عرصه‌هایی در مورد اختلاف بین رهبری کومه له و جریان چپ توسط

زبان رهبران خود به مقاومت در برابر گرایش چپ ایستاده و برای کشاندن کومه له به درون سنگر ناسیونالیسم کرد صف آرایی کرد. بخشی از صحبت‌های دبیر اول کومه له در مصاحبه با رادیو دیالوگ در نکوهش ایدئولوژی و تقدیس پراوتیک، یادگار ادبیات دوران مقاومت جریان ناسیونالیستی علیه جریان رادیکال و چپ است که آن دوران تحت عنوان «ذهنی، روشنفکر، بی عمل و غیره علیه جناح چپ حزب کمونیست و کومه له بکار برده می‌شد»

وجود سیاست و صف چپ و راست، عبارتی که دبیر اول کومه له از دست آن عصبانی است. یک واقعیت تاریخی و ثبت شده تمام دوران‌های فعالیت کومه له است. که بخصوص پس از تشکیل حزب کمونیست ایران بصورت روشن و شفاف قابل مشاهده است. یکی از مشکلات دائمی هواداران جنبش ناسیونالیستی در تقابل با طرف مقابل همواره انکار این صف بندی و وجود این گرایش‌ها بوده است. امروز هم ۲۰ سال پس از تجربه سازمان زحمتکش‌ها و جدایی خیل زیادی از ناسیونالیست‌ها ی منفرد از کومه له، هنوز دبیر اول کومه له وجود صف چپ و راست در کومه له را انکار می‌کند و آن را توطئه مخالفین و بدخواهان کومه له قلمداد می‌کند. و با همان شیوه سال‌های سپری شده در مقابل قطب چپ، با آنها با زبان تحقیر و تهدید سخن می‌گوید.

اما حزب و سازمانی که گنجینه تاریخ مارکسیسم انقلابی و نقد چپ مقطع انقلاب ۵۷ را در یکی از پرتحول‌ترین سال‌های قرن گذشته جامعه ایران در پرونده خود دارد، به این آسانی چپ زدایی نمی‌شود. منزل و کارکرد کتاب سوزان و هتک حرمت و کمپین هزیمت و نفرت کوتاه است. تاریخ مکتوب کمونیسم کارگری در حزب کمونیست ایران و کومه له به این آسانی پاک نمی‌شود. بخصوص در دل تحولات اجتماعی مشابه اوضاع کنونی جامعه ایران جویندگان تشنه

عده‌ای و یا برخورد ایدئولوژیک و غیره تقلیل بدهد. در حالیکه در واقع و اجتماعاً این اختلافات ریشه در واقعیت طبقاتی بودن جامعه کردستان و بخصوص به میدان آمدن طبقه کارگر دارد، که عمدتاً پس از انقلاب ۵۷ با مبارزات خود و اعلام سیاست و مطالبات خود در صحنه سیاسی کردستان قد علم کرد. جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر کردستان و گرایش سیاسی آن بعنوان یک جنبش اجتماعی همواره در حزب کمونیست ایران و کومه له تاثیر گذار بوده و همیشه نمایندگان فکری و سیاسی خود را با شدت و ضعف در دوره‌های مختلف داشته است. همچنانکه جنبش ناسیونالیسم کرد هم دارای چنین موقعیتی بوده است.

این قطب بندی طبقاتی در جامعه کردستان در واقع پایه اصلی اختلاف نظر و قطب بندی چپ و راست در صفوف کومه له در دوره‌های طولانی بوده است. شدت و حدت این اختلافات در درون کومه له ارتباط مستقیم با تحركات این دو جنبش در جامعه داشته است. به این معنی که دوره‌های طولانی تا قبل از پایان جنگ ایران و عراق و بعداً جنگ خلیج که گرایش سوسیالیستی در جامعه کردستان جنب جوشی از خود نشان می‌داد، در درون کومه له طرفداران جنبش ناسیونالیستی (کردایه‌تی) عمدتاً مجبور بودند سیاست‌ها و هژمونی چپ را تحمل کنند و ساکت بمانند. از طرف دیگر در دوره‌ها و مقاطعی که جنبش ناسیونالیستی در سطح جامعه کردستان به سبب تحولات منطقه‌ای به جنب و جوش می‌افتاد، نمایندگان این جریان در درون کومه له، سر از لاک برون می‌آوردند و بصورت قطره چکانی و محفلی سیاست‌های خود را برای ادامه کاری کومه له در درون تشکیلات پخش می‌کردند. پایان جنگ ایران و عراق و آشکار تر از آن دوره جنگ خلیج مقاطعی هستند که در آنها گرایش ناسیونالیستی در رهبری کومه له صریحتر از هر زمان از

ناسیونالیزم کرد در نقش قیم جامعه!

ملکه عزتی



ما و مردم زحمتکش کردستان نمونه های پیشین و مشابه سپاه ملی کرد شما را قبلا درامثال ارتش آزادیبخش کوسوا و قتل عام مردم غیر کوسوایی و نفرت پراکنی قومی در جای جای این دنیا را شاهد بوده ایم. اجازه داریم پرسیم سپاه ملی کرد با غیر کرد زبانان ساکن کردستان چه خواهد کرد؟ تکلیف معلمین و کارمندان و کارگران غیر کرد زبان در کردستان تحت حاکمیت مرکز همکاری احزاب چیست؟ در سهم خواهی بورژوازی کرد و احزابی که خواست و تمایلات آنان را نمایندگی میکنند، کارگر و زن و کودک کرد در کجای این سناریوی شوم قرار دارند؟ مرز این خواسته ها تا کجا پیش میرود؟ بیرون راندن شهروندان غیر کرد زبان کافی است یا..؟ در قانون اساسی نمایندگان مرکز همکاری احزاب کرد حقوق شهروندی چگونه تنظیم میشود؟ سران این احزاب هرگز از خود پرسیده اند چرا مردم کردستان باید زیر بارخفت قیمومیت این احزاب بروند؟ هرگز از خود پرسیده اند مردمی که سالها در مقابل زورگویی و وحشیگری سپاهیان حکومت اسلامی مقاومت کرده اند چرا باید دوباره حاضر به قبول خفت و خواری در مقابل یک نیروی مسلح سازمانیافته توسط احزاب کردی باشند؟ فقط به حکم صحبت کردن به زبان کردی؟

میتوانیم پرسیم در قانون اساسی شما تنها تعلق هویتی انسانها زبان و مرزهای جغرافیایی مشترک است یا همسرنوشتی طبقاتی هم درجایی گنجانده شده؟

سریچی کارگر و زن و معترضین به قوانین تحمیلی از پیش تهیه شده هم اگر توسط سپاه ملی کورد سرکوب و خفه شوند غمی نیست، هر چه نباشد همزبان هستند.

این آقایان سران احزاب ناسیونالیست که اتوماتیک سران و رهبران جامعه هم هستند در غیاب مردم کردستان برای سعادت آنان آستینها را بالا زده اند و در تنظیم و تدوین آینده کردستان در حال سبقت گرفتن از همدیگر در حد شکسته شدن گردنشان هستند! یکی تشکیل سپاه ملی کورد را با حضور پیشمرگان مرکز همکاری احزاب کرد در دست اقدام دارد و آن دیگری با شتابی بیشتر خواهان شرکت و دخالت آکادمیسینهای کرد جهت تنظیم قانون اساسی کردستان است! لاید این آکادمیسینهای عزیز مختارند حکم اعدام کرد به دست کرد را هم به شکلی ظریف در این قانون بگنجانند تا نظر خالد عزیزی هم تامین شده باشد!

رویای شوم قدرنگیری و حکومت در کردستان توسط احزاب ناسیونالیست با پشتوانه و حمایت مالی احزاب و دولتهای مرتجع منطقه گویا پایانی ندارد. گویا شورا و حکومت شورایی و تعیین سرنوشت آحاد جامعه از طریق اعمال اراده خود هم در این جامعه فاقد تاریخ و سابقه بوده است! ظاهرا کردستان چهارچوب جغرافیایی است که نه اعتصاب قهرمانانه هفت تپه را حمایت کرده، نه کشتار کولبران را محکوم کرده نه اول ماه مه ها را برگزار کرده نه کارگرش را شلاق زده اند و نه صاحب نسلی بوده که قهرمانانه از دستاوردهای انقلاب ۵۷ دفاع کردند و در مقابل نیروهای سرکوبگر اسلامی مقاومتی قهرمانانه از خود نشان داده اند.

ظاهرا شهروندان این جامعه آماده استقبال از سپاه ملی کرد هستند تا یکبار دیگر کپی دیگری از حشد الشعبی یا ارتش آزاد سوریه را در شهرها شاهد باشند و اینبار با زبان کردی!

جامعه مبتنی بر نظم و قوانین سرمایه داری و بهره کشی انسان از انسان را جامعه طبقاتی مینامند. در این سیستم انسانها در قبال فروش نیروی کارشان اجازه دارند زنده بمانند و تداوم تولید و سود را تامین کنند. این سیستم و این نظم نابرابر از شوش و هفت تپه تا تبریز و مرزهای مریوان و بانه و تهران به یکسان عمل میکند! هیچ زمانی زبان و تعلق قومی و مذهبی نتوانسته بر قوانین حاکم بر افزایش سود و سرمایه سایه بیندازد. رابطه کار و سرمایه جز استثمار کاراكثر دیگری ندارد. زبان مشترک، تعلق "قومی" مشترک و مرزهای جغرافیایی مشترک کمترین تأثیری بر اصل سود بیشتر و کار ارزانتر نداشته است. تعبیر ناسیونالیزم کرد اما خصوصیات دیگری دارد. تعبیری که قایل به وجود طبقات متخاصم در جامعه کردستان نیست و کارگر کرد و سرمایه دار کرد را به حکم زبان مشترک برادرو همسرنوشت میدانند. در نتیجه برای آینده کردستان دولت در تبعید همراه با سپاه ملی درست میکند و قانون اساسی مینویسد که گویا منافع "نه ته وه" (نژاد) کرد را حفاظت میکند! ظاهرا رهبران خودگمارده ناسیونالیسم کرد خواب نما شده اند و به نیابت از مردم کرد سرگرم طرح و برنامه ریزی برای فردای حاکمیت در کردستان میباشند. قرار است شهروندان جامعه کردستان بر اساس منافع این احزاب و بر اساس زبان و تعلق مشترک قومی به مثابه ملت واحد پذیرای حکومت و سپاه ملی آنان باشند. شهروندان این جامعه فقط به حساب " کورد" بودن میتوانند در سایه قوانین تدوین شده توسط آکادمیسینهای کورد در نهایت برادری و صلح و صفا با هم زندگی کنند. در این جامعه فاقد طبقه که اقلیتی صاحب ثروت و سامان باشند و دودکش های کارخانه ها از سایه سر اینها ضامن شکوفایی اقتصاد جامعه باشند و اکثریت باقیمانده بردگان مزدی برادران صاحب سرمایه و مال و مکنت و صد البته در جهت شکوفایی اقتصادی در کردستان.

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی

ناسیونالیزم کرد در نقش قیم جامعه!

ملکه عزتی

آنها یا نمیدانند یا خود را به نادانی میزنند که سرنوشت کارگران هپکو و هفت تپه و دماوند و آقدره و کولبران مرزهای مریوان و بانه و پاوه چه میزان درهم تنیده و بهم مربوط است، نمیخواهند ببینند سرمایه داران کرد و فارس به يك زبان سخن میگویند و به يك زبان استثمار میکنند و بهمان قیاس کارگران در دورترین مرزهای جغرافیایی وبا هر زبانی همسرنوشت هستند. حتی روزی که شهروندان جامعه کردستان در یک فراندوم وسیع تصمیم به جدایی از ایران بگیرند همسرنوشتی کارگر شوش و تهران و کردستان بیشتر و مستحکمتر از پیوند زبانی و جغرافیایی با سرمایه داران و مرتجعین مورد حمایت شما در محدوده مرزهای کردستان است. حقوق جهانشمول انسانها از جمله آزادی بیقید و شرط زنان در تمام عرصه های اجتماعی و سیاسی، حقوق کودک، حق انتخاب نوع و محل زندگی و رهایی از قید و بندهای پوسیده فرهنگی ... با حدود و ثغور مرزهای جغرافیایی و تعلقات قومی تعیین نمیشوند.

به خودتان زحمت ندهید، به فکر تدوین قانون اساسی و سپاه ملی نباشید، درهر صورت مردم ستمدیده علیه این سپاه دست ساز و آن قانون از بالا نوشته شده خواهند ایستاد و شما را مجبور به ترک صندلیهای قدرت خیالیتان خواهند کرد.

ملکه عزتی

۳۰ اگوست ۲۰۲۰

سرمایه دار و کارگر کرد با قدری چاشنی استثمار و بیحقوقی که اصلا جای شکایت و غر زدن هم ندارد در آرامش و صلح و صفا با هم در مرزهای مشترک کردستان همزیستی مسالمت آمیز دارند؟

اما بدیاری ناسیونالیزم کرد در کردستان ایران تجربه حکومت اقلیم کردستان است، الگوی حکومتی آنها آنقدر بدسابقه و همراه با رسوایی است که دیگر کسی گول سواد و درایت اکادمیسنها و نویسندگان کراوات زده قانون اساسی سفارشی شما را نخواهد خورد! نمونه فعلی حکومت کردی برصفحات تاریخ خود، خون بیش از ۵ هزار زن را دارد. فاجعه گرسنگی و فقر و فلاکت اکثریت عظیم شهروندانی را دارد که بر روی چاههای نفت خوابیده اند و البته جهت حفظ حافظه تاریخ اعتراضات عظیم مردم خشمگین علیه این حکومت را هم باید به این تاریخ افزود.

پاشنه آشیل رویای حکومت مرکز همکاری احزاب کرد حکومت اقلیمی است که شهروندانش در فقر مطلق و حاکمانش در جایگاه فرعون های زمانه قرار دارند. در این الگوی حکومتی زنان از حق انتخاب محرومند و حتی نمیتوانند بدخواه خود عاشق شوند! رسوایی تکفیر ازدواج چند دختر کرد زبان با مردان افریقایی تبار هنوز در صدر اخبار داغ میدیای اجتماعی قرار دارد! شما با چه رویی در رویای حکومت کردی در کردستان ایران هستید؟ حقیقتا باید گفت سران این احزاب حتی با دلارهای حکومتی ارتجاعی منطقه هم در گوش گاو خوابیده اند.

در رابطه با ضرورت سازماندهی محلات!

اسماعیل ویسی

تحت هژمونی سیاسی - اجتماعی و هدایت گری قطب کمونیستی و چپ،، برای مادیت بخشیدن به حاکمیت مستقیم مردم بر اساس شوراهای مسلح مردمی، اقدام کنند. **زیرا مصافهای جدی در تقابل با ارتجاع حاکم و قومی مذهبی در پیش است. از امروز آگاهانه و با برنامه، باید وارد عمل شد. فردا دیر است. تا بتوان پیروزی را تضمین نمود!**

پیش بسوی سازماندهی محلات. زنده باد حاکمیت شورائی مردم!
اسماعیل ویسی- 6 شهریور 1399 - 28 اوت 2020 email.waisi@gmail

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا برپا کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را

برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

آزادی، برابری، حکومت کارگری

در رابطه با ضرورت سازماندهی محلات!

اسماعیل ویسی



کنند. زیرا " **سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی را باید تعریف کرد، استراتژی آنرا روشن تر کرد، چون بدون برنامه ریزی، هدفمند که ستون فقرات اساسی آن طبقه کارگر سازمانیافته و آگاه و متشکل در پیوند ناکسستگی با جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبی در بعد اجتماعی و بدون رهبری سیاسی قطب کمونیستی و چپ، ممکن نیست**، باید از اجتناب ناپذیری سرنگونی طلبی صرف، حذر کرد. این بعد اساسی قضیه را لازم است، تامین کرد!

تداوم جنبش در بعد سراسری، در جامعه کردستان را باید تضمین کرد.

بمیدان آمدن و گسترش اعتراضات در شهرهای کردستان، همگام و همبسته با خیزش و اعتراض توده ای- اجتماعی جاری سراسری بر خلاف منادبان راست و محافظه کار تحت عنوان " **خشونت گریزی و گذار مسالمت آمیز- جنبش بورژوا ناسیونالیستی کرد** " از ضروریات مبرم و اساسی است. این بعد اساسی را باید در سیر این تحولات تامین و تضمین کرد. و ... در نتیجه وظیفه مردم و جوانان، فعالین جنبشهای آزادیخواه و برابری طلب، محافل رهبران عملی کارگری - اجتماعی در کردستان است که از هم اکنون آگاه و هوشیار بوده، با دورنما و چشم انداز روشن. برای ایجاد همبستگی اجتماعی و سازماندهی با برنامه،

صفحه ۶

کردنش در پیش پای جامعه قرار ندارد! رژیم اسلامی هیچگونه راه بازگشتی بجز سرنگون شدنش را ندارد. بدون شک، این روند و پروسه ی ملموس سرنگونی حکومت اسلامی سرمایه داران در ایران میباشد که در دستور جامعه قرار گرفته است. این وضعیت غیر قابل انکار، پایه های اساسی این رژیم هار و فوق ارتجاعی و در حال فروپاشی را، به لرزه درآورده است. پیام عملی اش را، سردمداران حکومت اسلامی و کل دارودسته اصلاح طلبان و مدافعین رنگا و رنگ بقاء آن و آنهایی که دم از " **خشونت گریزی** " میزنند، همچنین کلن **جنبش های راست و چپ** دخیل در این پروسه، بر اساس ریشه های عمیق سیاسی- اجتماعی نیز گرفته و برایشان ملموستر از گذشته گردیده است که اکثریت مردم ایران بدون اما و اگر، خواهان سرنگون شدنشان هستند.

اشاره کردم که، پیام روشن این اعتراضات قاطعانه، سرنگونی حکومت اسلامی سرمایه داران در ایران است. نفس پیام را، **سردمداران حکومت اسلامی و کل دارودسته اصلاح طلبان و مدافعین بقاء آن** نیز گرفته اند. به همین خاطر حفظ موجودیت و بقاء حکومت در اولویتش قرار گرفته است. در این راستاست که، حافظان رنگا و رنگ قدرت سیاسی موجود، در مخالفت با اعتراضات کارگری، توده ای- اجتماعی جاری تحت عنوان " **خشونت گریزی- در واقع علیه سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی و تغییرات اساسی مثبت در زندگی اکثریت مردم** " تلاش میکنند با تحمیل بدترین شرایط ممکن، چند صباحی دیگر به حاکمیت ضد انسانی شان ادامه بدهند. و تاکنون نیز سرکوبگران از هر گونه خشونت و کشتار ممکن دریغ نکرده اند و حتی ممکن است برای **حفظ بقاء شان سناریوی سرمایه** را در صورت تند تر شدن اوضاع و رشد و گسترش رادیکالیسم سیاسی- اجتماعی و طبقاتی، در پروسه این روند، بر جامعه تحمیل

جامعه ایران بدون شک آستن تحولات سیاسی- اجتماعی و اقتصادی است. کاملن ملتهب و در حال غلیان است. اعتصاب و اعتراضات کارگری بطور متمرکز و سازمانیافته از هفت تپه، کل صنایع نفت و پتروشیمی ها، راه آهن ها، کنتر سازی، صنایع ماشین سازیهای اراک، شهرداریها، پرستاران و بازنشستگان و ... علیرغم پراکندگی و عدم سازمانیافتگی و رهبری واحد، سراسر ایران را، فراگرفته است. تداوم خیزش و اعتراض توده ای- اجتماعی آبانماه 98 و متعاقب آن که سراسر ایران و از جمله کردستان را، فرا گرفته بود، همچنان، چون آتش زیر خاکستر درغلیان است. تمامی مولفه های ملموس نشان از دور تازه ای از تلاطم بنیادی عظیم اجتماعی میدهند که هر آن، میلیتانتتر و رادیکالتر به هر شیوه ممکن، چون آتشفشان فوران و ابراز وجود علنی و اجتماعی کنند. زیرا، حکومت اسلامی طی مدت حاکمیت ننگین و استثمارگرانه اش، ارمغانی بجز " **به رسمیت نشناختن هر گونه حق و حقوق انسانی- اجتماعی، سرکوبگری، بگیر و ببند، زندانی کردن، شکنجه و کشت و کشتار فعالین کارگری- اجتماعی و آزادیخواه، به تباهی کشانیدن آن جامعه، دامن زدن به خشونت های اجتماعی، فرهنگ مرد سالاری ضد زن، اوباشی گری و تروریسم اسلامی، حاشیه نشینی، اعتیاد و فقر و فلاکت، تن فروشی، کودکان کار و خیابانی، و بر اساس اعتراف خود مقامات و نهادهای حکومتی زیر **فقرزندگی کردن 70 درصد جامعه و 25 درصد حاشیه نشینی مردم** بدون داشتن ابتدائی ترین امکانات زیستی- معیشتی، بهداشتی و آموزشی. و ... تصویربست که نشان میدهد که در دنیای واقعی، عملا تحمیل گرسنگی بر اکثریت مردم در ایران " نداشته است. و ... سیستم اقتصادی و زیر بناهایش ویران و از کار افتاده و در حال فروپاشی است. ادامه چنین موقعیتی ممکن نیست و هیچ راه گریزی جز سرنگون**

در رابطه با ضرورت سازماندهی محلات!

اسماعیل ویسی

بدون فوت وقت اعمال اراده مستقیم مردم را از طریق مکانیزم شوراها برای حاکمیت مردمی. برای اداره جامعه، مادیت بخشید و اجازه نداد دستاوردهای مردم زحمتکش به یغما برود. نباید اجازه داد ارتجاع بشیوه دیگر اینبار **در قبال قومی - و بویژه در کردستان در قیامت کردایی** خود را تحمیل کند. تحولات جامعه باید تحت هژمونی سیاسی - اجتماعی و هدایت گری قطب کمونیستی و چپ. پیش برود. بدون شک، سرنگونی حکومت اسلامی یک امر مهم و اولویت مبارزاتی است. در این راستا نباید از هیچگونه تلاش سازمانیافته و هدفمند، دریغ نمود. نفرت بی حد و مرز از رژیم اسلامی وجود دارد. اما، این نفرت نباید **صرفاً به سرنگونی حکومت اسلامی** ترجمان شود. گام اساسی بعدی و سیستم حکومتی جایگزین را نباید فراموش کرد. از هم اکنون باید با برنامه هدفمند، سازمانیافته و با دورنمای روشن حرکت کرد. جامعه را مطلع و برای انتخاب واقعی که منافعشان تامین شود، آماده و سازماندهی کرد.

در خاتمه برای تقابل جدی و اساسی برای سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی و تقابل با جنبش ناسیونالیسم کرد. برنامه های ارائه داده شده شان برای تحمیل حاکمیت مسلحانه خود و تامین منافع طبقاتی. سیاسی - اجتماعی شان و زد و بند از بالا با جنبش راست و بورژوائی در بعد سراسری و بازی با سرنوشت مردم در کردستان بعد از حکومت اسلامی، سازماندهی سراسری در ابعاد وسیع در جامعه کردستان ضرورتی مبرم است. وظیفه رهبران عملی کارگری، کمونیست، و جنبشهای توده ای اجتماعی این است که برای مرتبط شدن و ایجاد شبکه سازماندهی وسیع این محافل حول **"پلانفرمی مشخص بابرنامه حاکمیت شورائی مردم در کردستان"**

صفحه ۴

تصمیماتشان را میگیرند و ... این سقف که ساکنین آن، بطور حقیقی و حقوق زندگی میکنند. درد و رنج زندگی شان یکی است. همدیگر را می شناسند به همدیگر اعتماد میکنند. و ... ممکن ترین راه و محل برای سازماندهی اعتراض توده ای - اجتماعی است. چون اعتراض توده ای - اجتماعی از محلات سرچشمه میگیرد. و تلاش با برنامه از هم اکنون مبرمیت پایه ای دارد. چنین تلاشی مینا و در راستای زمینه سازی **" ایجاد و سازماندهی شوراهای مسلح مردمی و تضمین کننده حاکمیت شورائی مردم "**. حاکم شدن مستقیم بر سرنوشت خویش میباشند. از هم اکنون برنامه ریزی و دست بکار باید شد. بنکه های محلات در شهرهای سنج و ... تجاربی غنی تاریخی - اجتماعی، در این رابطه میباشند. ارتجاع قومی - مذهبی نیز بر سازماندهی و کنترل محلات متمرکز است.

قطب چپ وظیفه ای بسیار خطیر دارد.

به خطیر بودن و مصافهای جدی پیش رو که در جامعه ایران وجود دارد، اشاره کرده ام که برای تمامی فعالین کمونیستی کارگری و چپ ملموس هست. در کردستان محافل رهبران عملی کارگری و آزادیخواه وجود دارد و تا کنون نقش سیاسی - اجتماعی خود را به هر شیوه ممکن، در مقاطع متفاوت ایفاء کرده اند. اما شرایط پیچیده و مصافهای جدی که پیشرو میباشند، برای تقابل، آمادگی از پیش لازم است. جدا از بهم بافته شدن، محافل رهبران عملی کارگری و اجتماعی چون شبکه ای سراسری برای سازماندهی اکثریت ساکنین محلات و بر اساس آن، فراهم کردن زمینه سازماندهی و تشکیل شوراهای کارگری و مردمی را برای کنترل محل های کاری و زندگی، فراهم کند. تا بتوان با آمادگی کامل در بزنگاه سیاسی - اجتماعی تعیین کننده تحت هدایت قطب کمونیستی و چپ، بموقع و

هدفمند تلاش کنند. ارتجاع در هر شکل و رنگی و تحت هر عنوان و تلاشی برای گسستن اعتراضات را باید، افشاء و برای ایزوله کردنشان اقدام کنند. فضای آزادیخواهی تمامی محلات و جامعه را علیه آنها به هر شیوه ممکن، بسیج و گسترش بدهند. و ... باید سریعاً و بدون فوت وقت عمل کرد. زیرا، راه چاره اساسی برای خلاص شدن از این وضعیت تحمیل شده به اکثریت مردم زحمتکش در جامعه ایران، بجز همگامی و همبستگی سراسری برای سرنگونی بی اما و اگر، کلیت جمهوری اسلامی ممکن نیست!

سازماندهی محلات زیست مبرمیت پایه ای دارد!

اشاره کردم که پروسه سرنگونی رژیم اسلامی در دستور جامعه قرار گرفته است. این واقعیت را حکومت اسلامی میدانند و دارد خود را آماده تقابل جدی می کند. تقابل و کشمکش جدی اجتماعی - طبقاتی هم اکنون در جریان است. جنبشهای راست و چپ تلاش میکنند مهر سیاسی - طبقاتی و اجتماعی خود را بر این روند بکوبند و جنبش جاری را در مسیر مورد نظر و برای متحقق نمودن آلترناتیو سیاسی - طبقاتی و اجتماعی خود رهنمون و رهبری و هدایت کنند. هرچند هنوز " توده وسیعی از مردم بطور خاموش دارند عمل می کنند ولی بدون شک خواهان سرنگون شدن این رژیم و خلاص شدن از این وضعیت فلاکتبار تحمیل شده، هستند. بر این اساس " جنبش کمونیستی و چپ " وظیفه ای بسیار خطیر دارد و لازم است آگاهانه و با برنامه ریزی دقیق عمل کند، قطعاً در تداوم خود آن اکثریت خاموش هم پا بمیدان خواهند گذاشت. باید سازماندهی این اکثریت خاموش را در محلات زیستشان را در اولویت گذاشت. زیرا محلات، محل زیست و چهارچوب اساسی چون چتری است، همچون محل کار کارگران که متمرکز هستند و از طریق مجامع عمومی

اختلاف در حزب کمونیست ایران و کومه له

همایون گدازگر

منتقدین رهبری کومه له ، در واقع غلطیدن تمام وکمال کومه له به جبهه احزاب و جریانان ناسیونالیست در کردستان اصلی ترین نکته ای است که باید به آن توجه داشت . حاکمیت شورایی و حقوق پایه ای مردم زحمتکش و غیره مصوباتی هستند که هر دو طرف بارها پایبندی خود را به آنها اعلام کرده اند . وفعلا تا وقتی شرایطی برای عملی کردن آنها در جامعه فراهم نباشد نمی توان زیاد بعنوان حلقه اصلی اختلاف از آنها اسم برد .

اما تجربه سالهای گذشته و اینجا در میدان عمل ، تشخیص به راست چرخیدن رهبری کومه له بطرف جنبش واحزاب ناسیونالیست کرد کارسختی نیست . و این همان جایی است که باید قاطعانه در مقابل آن ایستاد . محدودیتهای اعمال شده بر فعالیت کومه له در این سالها و منزوی شدن نزد احزاب اصلی ناسیونالیسم کرد ، به علاوه اینکه دورنمای نقش در "جنبش کردستان" برای رهبری کومه له در تحولات پیش رو "ممکن تر" و دم دست تر" از شرکت ویا نقش داشتن در جنبش سوسیالیستی در ایران وکردستان است . تئوری مشهور "چراغ زرد" دبیر اول کومه له و بحث کنار گذاشتن حزب کمونیست و یا رد سوسیالیسم در یک کشور توسط کادرهای این جناح تکیه بر این تمایل و خواست رهبری کومه له برای ایفای نقش در جنبش ناسیونالیستی در کردستان دارد . همه اینها ضربدر این ادعای دبیر اول کومه له که "رابطه با احزاب چپ و کمونیست دنبال نخود سیاه رفتن است" ، همگی به ما می گوید که در رهبری کومه له وبخصوص دبیر اول آن تصمیم برای تحویل دادن کومه له به جنبش ناسیونالیسم کرد از هر زمان جدی تر است . واین مصافی است که کمونیستها و جناح چپ درون حزب کمونیست ایران باید به میدان آن بروند . نجات کومه له نه در هیچ کنفرانس و کنگره ای ، بلکه در گرو افشای بی امان این روند و تلاش برای حاکم کردن سیاست و استراتژی سوسیالیستی بر رهبری کومه له است . دفاع جسورانه از تاریخ حزب کمونیست و سیاستهای کمونیستی آن ، خدا حافظی از موضع دفاعی براءت از خود درمقابل "اتهام" حکمتیست بودن ، توسط این رفقا ، قدم اول در وارد شدن به یک خانه تکانی از خود ونقد کمونیستی رهبری کومه له است .

همایون گدازگر

۱۰ شهریور ۹۹

جمهوری اسلامی ، رژیم اعدام ، زندان ، شکنجه!

سعید یگانه

همبستگی و اتحاد مبارزاتی میان کارگران و سایر اقشارتهدیست جامعه برای پایان دادن به این وضع جهنمی و در هم شکستن ماشین کشتار و اعدام جوانان در مقابل ما قرار ندارد.سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی اولین گام اساسی برای کوتاه کردن دست این جانیان و فاسدان از زندگی سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی مردم و تنها راه رسیدن به سعادت و خوشبختی مردم در ایران است.

سعید یگانه

۳۰ اوگوست ۲۰۲۰



برادران افکاری از راست حبیب (محکوم به ۲۷ سال زندان) ، نوید (دو بار اعدام) و وحید افکاری (محکوم به ۵۴ سال زندان)

جمهوری اسلامی، رژیم اعدام، زندان، شکنجه!

سعید یگانه



جامعه را به نابودی سوق می دهد. این اوضاع فلاکت‌ناگوار که عامل اصلی آن حکومت جمهوری اسلامی است، راهی جز اعتراض و مبارزه و اعتصاب برای گذر از این زندگی جهنمی برای مردم باقی نگذاشته است. به این دلیل است که ما هر روز شاهد گسترش اعتراض و ناراضی‌گری در گوشه و کنار جامعه، درنیشکر هفت تپه، صنایع حیاتی نفت، پتروشیمی، گاز و برق، بازنشستگان و معلمان و اتوبوس رانان و پرستاران برسر حقوق معوقه، دستمزد و مزایا و خصوصی سازی و قراردادهای موقت کارو علیه فقر و گرانی و تورم افسار گسیخته، اختناق و دستگیری فعالین و اعدام هستیم. ترس از انفجارهای اجتماعی مشابه شورش های انقلابی سه سال گذشته، علیه فقر و فلاکت و اختناق خواب را از سران رژیم سرمایه داری اسلامی ربوده است. اوضاع طوری شده است که خود سران رژیم بارها نگرانی خود را از ادامه این شرایط و خطراتی که جمهوری اسلامی را تهدید می کند بر زبان آورده اند.

این واقعیت جامعه ایران است. این اوضاع قابل دوام نیست. رژیم اسلامی حربه ای جز زبان زور و چیزی جز اعدام و شکنجه و بی حرمتی ندارد که به مردم بدهد، با این وجود، با این همه وحشیگری، مردم باز نمی توانند سکوت کنند. مردم گرسنه اند. شکم گرسنه صبر نمی شناسد و سرکوب را تا عید بر نمی تابد. در این شرایط راهی جز گشودن زبان اعتراض نیست. راهی مبارزه و اعتصاب و

شهر کرج، بعد از شکنجه های فراوان روحی و جسمی به اعدام محکوم شدند، که با اعتراض وسیعی که علیه این حکم جنایتکارانه در داخل و جامعه جهانی صورت گرفت، قوه قضائیه ناچار از این حکم عقب نشست.

دولت جمهوری اسلامی و ارگانهای سرکوبش، به دستگیری و اعدام روی آورده و صدها زندانی سیاسی را به اسارت گرفته است. بعد از یک دوره سکوت و دروغ و دست به دست کردن اخبار کشتار و دستگیری معترضین مربوط به خیزش انقلابی آبانماه ۹۸، صدور حکم اعدام دستگیرشدگان شورشهای انقلابی دی ماه ۹۶، مرداد ۹۷ و آبانماه ۹۸ را یکی پس از دیگری آغاز کرده اند. چرا حکم اعدام معترضین این شورشهای انقلابی، چرا رژیم اسلامی تماما شمشیر را از رو بسته و به اعدام و قلع و قمع مخالفین و معترضین دوباره روی آورده است؟! حقیقت این است که هدف از پیشبرد این سیاست سرکوبگرانه در شرایطی که در گوشه و کنار جامعه صدای اعتراض و ناراضی‌گری مردم هر روز بیشتر بالا می گیرد چیزی نیست جز ارعاب و ترساندن مردم از گسترش این اعتراضات که جمهوری اسلامی را با بحران عمیق ترسیاسی و مشروعیت روبرو کرده است. می خواهد به مردم، به جوانان، به کارگران بگویند که ما کوتاه نمی آیم، هر کس به خیابان بیاید و اعتراض کند میکشیم و اعدام می کنیم. دو ماه پیش جمهوری اسلامی یکی از جانبیان خود، دادستان اصفهان را در نماز جمعه این شهر پای منبر فرستاد و "وقیحانه گفت که ۷ نفر از معترضین دی ماه ۹۶ را به اعدام محکوم کرده ایم و تهدید کرد که هر کس به خیابان بیاید و اعتراض کند همین بلا را سرش می آوریم و کوتاه نمی آیم".

واقعیت این است که رژیم سرمایه داری اسلامی در بحران عمیق و لاینحل سیاسی و اقتصادی دست و پا می زند. فقر، بیکاری و فلاکت وسیع دامن جامعه را گرفته است و هر روز بیشتر مردم کارگرو تهیدست

اعدام، زندان، شکنجه و سربسته نیست کردن مخالفین سیاسی، سیاست روتین جمهوری اسلامی بوده وهست. ماشین جنایت رژیم اسلامی بی وقفه ادامه داشته و هنوز دست به جنایت و کشتار معترضین و مخالفین سیاسی می زند و از جوانان مردم قربانی می گیرند. این سیاست جنایتکارانه اگر دوره ای برای تثبیت و تحمیل خود و خون به جامعه پاشیدند، امروز در این دوره این همه جنایت، قضاوت و بی رحمی فقط و فقط برای حفظ بقای حکومت ننگین و فاسدشان است، نه هیچ چیز دیگری. بیاد بیاوریم و فراموش نکنیم، "هلوکاست اسلامی" و اعدام هزاران زندانی سیاسی در شهریور ۶۷ توسط همین جانیانی که هنوز بر مسند قدرتند و جنایت می آفرینند.

دوبار اعدام، ۸۸ سال زندان و ۳۰۸ ضربه شلاق برای سه برادر نوید افکاری، وحید افکاری و حبیب افکاری از بازداشت شدگان اعتراضات سراسری مرداد ۹۷ در شهر شیراز از طرف بیدادگاههای جمهوری جنایت اسلامی صادر شده است. این احکام نه غیر "عادلانه" که جنایتکارانه و بزدلانه از طرف حاکمان بی مایه و تفنگ به دست که جز زبان زور و زندان و شکنجه و بی حرمتی به مردم چیز دیگری در چنته ندارند صادر شده است. حقیقتا که واژه "عدالت" در حکومت جنایت و خفقان اسلامی بی معناترین واژه است و ابدا وجود خارجی ندارد. "این عین عدالت اسلامی است".

اوایل آوگوست مصطفی صالحی، کارگر ساختمانی، پدر دو کودک از معترضین شورش انقلابی دی ماه ۹۶ توسط این جانبیان نیز در اصفهان اعدام شد و تنها به این قانع نبودند، قصد دارند به بهانه "دیه" سرپناه زن و بچه هایش را نیز مصادره کنند. حیدر قربانی زندانی سیاسی "اهل کامیاران" صاحب سه فرزند، حکم اعدام امروز ۵ شنبه ۱۶ مرداد ۹۹ از سوی دیوان عالی کشو مورد تأیید قرار گرفت. چندی قبل نیز سه جوان از معترضین خیزش انقلابی آبانماه



"تحریم قند و شکر وارداتی!" سیاستی غیر کارگری و ناسیونالیستی

سیاوش دانشپور

علیه واردکنندگان شکر خارجی باید از تولید شکر داخلی حمایت کرد، بر من روشن نیست. نتیجه اما یکی است: دعوت از کارگران به حمایت از یک سیاست ناسیونالیستی، حمایت از سرمایه دار "خودی" و ایرانی، تقابل با بخش دیگری از طبقه جهانی کارگر که تولید می‌کند و محصولات کارش در بازار جهانی بفروش می‌رسد، یک عقبگرد تاریخی از نظر طرح سیاست و تاکتیک، و بدتر از همه یک هم آوایی شاید نسنجیده با بحث "جهش تولید داخلی" حکومت و خامنه ای است. کارگران هفت تپه برای مقابله با سیاست‌های سرمایه داران و تامین منافع خویش، ناچارند سیاست کارگری را برگزینند. سیاست ناسیونالیستی تنها کارگر را به سرباز دون پایه بخشی از بورژوازی و آنهم عقب مانده ترین و مرتجع ترین نوع بورژوازی بدل می‌کند. مردم ایران اگر بخواهند "کالای خارجی" و "وارداتی" را تحریم کنند، باید تقریباً با بیش از نود درصد زندگی شان دربیفتند. فراخوان و شعار تحریم کالای خارجی و وارداتی شعاری ارتجاعی و ضد کارگری است. کارگران با محصول کار طبقه شان در کره خاکی مشکل ندارند، با مالکیت و روابط سرمایه دارانه چه در ایران و چه هرجای دیگر بر ثروت اجتماعی دعوا دارند.

سیاوش دانشپور
۲۷ اوت ۲۰۲۰

در کانال تلگرامی سندیکای هفت تپه مطلبی دریافتی منتشر شده که از مردم دعوت کرده قند و شکر وارداتی را تحریم کنند. آنطور که عنوان شده این اقدام به نفع اعتصاب کارگران هفت تپه و حمایت از راه افتادن تولید است.

این فراخوان نه بدرد کارگر می‌خورد و نه به نفع هر نوع اعتراض و اعتصاب کارگری است. این پرچمی ناسیونالیستی است که کارگر را هوادار تولیدات داخلی و مخالف تولیدات خارجی می‌کند. تحریم کالاها دوره ای سیاست چپ ناسیونالیست و باصطلاح ضد امپریالیست بود، اما این چپ همزمان طرفدار مرتجع ترین بخش‌های بورژوازی "ملی و میهنی" بود.

سالها پیش شعار ناسیونالیستی مقابله با "واردات بی رویه" در متن جنگ و رقابت جناح‌ها توسط خانه کارگری‌ها مطرح می‌شد که به سرعت توسط کارگران به کناری نهاده شد. الان هم طرح چنین سیاست‌هایی توجه کسی را جلب نمی‌کند. چون از سر بی اطلاعی از دنیایی است که تولید در آن جهانی است و ساده ترین محصولات تماما "وطنی" نیز واسطه غیر "وطنی" دارد. از ماشین زیر پای شما تا لباس و هر نیاز روزانه، محصول تامین مواد و کار و تولید و توزیع در کشورهای متعدد است. اینکه روح عباس هویدا با شعار "ایرانی جنس ایرانی بخر" در نویسنده این متن حلول کرده یا فکر کرده

بار آوری کار و بیکاری

بهبود تکنیک و افزایش بار آوری و قدرت مولده کار، به معنی جایگزینی هر چه بیشتر نیروی کار زنده با دستگاهها و ماشین آلات و سیستم‌های اتوماتیک است. در یک جامعه انسانی و آزاد این قاعدتا به معنای فراهم شدن فرصت بیشتر برای فراغت و لذت بردن از زندگی برای همه است. اما در جامعه سرمایه داری، که نیروی کار و وسائل کار صرفاً کالاهایی هستند که سرمایه با هدف کسب سود در اختیار گرفته است، جایگزینی ماشین بجای انسان بصورت بیکاری و بیکارسازی دائمی بخشی از طبقه کارگر، و محروم شدنش از امکان تامین معاش، نمودار میشود. پیدایش یک ارتش ذخیره از کارگران بیکار، که حتی امکان فروش نیروی کار خویش را ندارند، یک نتیجه جبری روند انباشت سرمایه است که در عین حال خود یک شرط وجودی تولید سرمایه داری را تامین میکند. وجود ارتش ذخیره ای از بیکاران، که اساساً به هزینه خود بخش شاغل طبقه زنده نگاهداشته میشود، رقابت در صفوف طبقه کارگر را تشدید میکند و سطح دستمزد را در حداقل ممکن پائین نگاه میدارد. این ارتش ذخیره همچنین امکان میدهد سرمایه با سهولت نیروی کار مورد استفاده خود را به تناسب نیازهای بازار کاهش یا افزایش بدهد. بیکاری، یک عارضه جانبی بازار و یا نتیجه سیاست غلط این یا آن دولت نیست، بلکه جزء ذاتی کارکرد سرمایه داری و جریان انباشت سرمایه است.

از یک دنیای بهتر، برنامه حزب

بر خورداری از محیط کار وزیست ایمن و سالم حق پایه ای شهروندان است

کمونیست می پرسد!

در باره اعتراضات در کردستان عراق علیه فقر و بیکاری

صالح سرداری



حقوق انسانی برخوردار باشند. اما مناسفانه با تمام برحق بودن و طبقاتی بودن این مبارزات و اعتراضات ها هنوز نامتشکل و بی سازمان است.

کمونیست ها و حزب کمونیست کارگری کردستان عراق علیرغم تلاش و فعالیت هایشان هنوز آن اندازه قدرتمند نیستند که بتوانند این اعتراض و مبارزه را سازماندهی و رهبری کنند. در دور اخیر جریانی بنام (نسل جوان) که رهبریش دست یکی از بزرگترین سرمایه دارهای کردستان عراق است، میخواهد بر اعتراض و مبارزه مردم سوار و آن را بنفع خود مصادره کند.

اینجا در کردستان عراق هم مثل سایر کشورها و جوامعی که مبارزه در جریان است عدم حضور حزبی کمونیستی و قدرتمند مهمترین کمبود این میدان است و تا این حزب بوجود نیاید احزاب و نیروهای ارتجاعی و راست کماکان میتوانند خود را بر مردم کارگر و زحمتکش تحمیل کنند.

نکته ای که لازم است بدان اشاره کنم وجود بیش از سه دهه استقرار اردوگاهها و مقرات رهبری احزاب اپوزیسیون ایرانی در کردستان عراق است. این احزاب شاهد همه این بی عدالتی ها و فساد و فقر و فلاکت تحمیل شده به مردم کردستان عراق هستند ولی سکوت مطلق را پیشه کرده و لال شده اند.

مردم کردستان ایران باید برای آینده با هوشیاری کامل اوضاع را در نظر داشته باشند. تجربه قدرت گیری احزاب ناسیونالیست کردستان عراق نشان داد که برخلاف

همه ادعاهای احزاب و

ترکیه، حضور داعش، مجموعه اینها مشکلات مردم را چند برابر کرده است.

از روزی که امریکا و غرب رژیم صدام را ساقط و حکومتی را بر مبنای مذهب و ملیت و طایفه گری بر مردم عراق و کردستان تحمیل کرده اند، مردم روی امنیت و آسایش ندیده اند. اعتراضات و تظاهرات اخیر شهرهای کردستان عراق برای مقابله با اوضاع می باشد.

چند سال است که حقوق معلمین، کارمندان، پرستاران و پزشکان و حتی پلیس و نیروهای انتظامی را با تاخیر چند ماهه و یک سوم آن را پرداخت میکنند. اقشار مختلف حقوق بگیر و بخصوص معلمان و کارمندان دولتی بارها و بارها دست به اعتصاب زده و سر کار نرفته اند.

همه این اعتراضات و تظاهرات همانطوریکه در شعارها و سخنرانی ها و پلاکاردها دیده میشود، از عمق جامعه و اعتراضی طبقاتی است که کل سیستم و دولت اقلیم و احزاب شریک در قدرت را نشانه گرفته است. این خشم و اعتراض کارگران و زحمتکشان در خیابان ها و میدانی اصلی شهرها و مراکز کار گسترش می یابد در حالی که اقلیت ناچیز سرمایه دار و دولتی ها روز به روز بیشتر به ثروت خود اضافه میکنند و جوابگوی کسی هم نیستند.

اگر دوره ای مردم کردستان عراق به این احزاب و دولت توهم داشتند و آن را "خودی" میدانستند، اکنون آشکارا از اعتماد خود به احزاب ناسیونالیست در قدرت پشیمان هستند. مردم کردستان فکر میکردند اکنون که صدام رفته، و این احزاب حاکم شده اند دنیا برایشان بهشت برین خواهد شد. اما اکنون همه دریافته اند که همین حکومت اقلیم چه زندگی سیاهی را بر آنها تحمیل کرده است.

اعتراضات اخیر با مطالبه بهبود در زندگی و علیه دولت و حاکمانی است که کل ثروت و سامان این جامعه را دزدیده اند. مردم میخواهند وضع زندگی شان بهتر شود، از امنیت و سرپناه و از ابتدائی ترین

روزهای اخیر مجدداً کردستان عراق صحنه اعتراض علیه فقر و بیکاری و مسائل حاد معیشتی شده است. مسئول و بانی این وضعیت فلاکتبار کیست؟ مردم دقیقاً چه می خواهند و چه می گویند؟ نیروهای سیاسی دخیل در این اعتراض چه میگویند و به نظر شما راه پیشروی و تحقق خواستههای مردم کارگر و زحمتکش در این بحران چیست؟

صالح سرداری: در جواب سؤال

شما باید بگویم این اعتراضات و تظاهرات چند روز گذشته که اکثر شهرهای کردستان عراق را در بر گرفت تازگی ندارد. سال هاست که مردم کردستان بر اثر فقر و فلاکتی که به آنها تحمیل شده دست به مبارزه و اعتراض زده اند. بخصوص سال ها قبل که اعتراضات کارگران و مردم زحمتکش همه خاورمیانه و شمال آفریقا را در بر گرفت مردم کردستان عراق به خیابان ها آمدند و با برپایی تجمعات و تظاهرات هایی در میدانی اصلی شهرها خواستار مطالبات و حقوق خود شدند و حکومت اقلیم کردستان را به چالش کشیدند.

متاسفانه آن دوره جریانی به نام جنبش تغییر (گوران) که در اپوزیسیون بود در اوائل اعتراضات بر موج اعتراض و مبارزه بر حق مردم سوار شد و آن را به بیراهه برد.

در طی این چند سال نه تنها وضع زندگی مردم بهتر نشده، بلکه بیکاری افزایش یافته و مردم در سطح وسیعتر فقیر و فقیرتر شده اند.

دو حزب اصلی حزب دمکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی و همچنین جنبش گوران و احزاب اسلامی که در حکومت هستند، همه ثروت و سامان آن جامعه را چاپیده و فساد دولتی و چپاول همه جای را در برگرفته است.

این اوضاع نابسامان اقتصادی و فقر و فلاکت تحمیل شده باضافه اختلاف دولت اقلیم با دولت مرکزی عراق و دخالت دولت های سرکوبگر ایران و

نه به حکومت ضد زن!

کمونیست می پرسد؛

در باره اعتراضات در کردستان عراق علیه فقر و بیکاری

صالح سرداری

جریانات ناسیونالیست هر وقت دست شان به قدرت برسد همان اوضاعی که بر مردم کردستان عراق آورده اند بر آنها هم تحمیل خواهند کرد. به سابقه قدرت گیری این احزاب در همه بخش های کردستان نگاه کنید این را بوضوح دیده ایم. این را میدانم که قدرت کمونیسم و کارگر در کردستان ایران با کردستان عراق تفاوت دارد اما این کافی نیست. کارگران و زحمتکشان باید خود را متحد و متشکل کنند و شوراهای خود را برای دخالت در سرنوشت و آینده خود ایجاد کنند و اجازه ندهند احزاب راست و ارتجاعی از بالای سر مردم تصمیم بگیرند و با بند و بست و معامله با دولت های ارتجاعی مردم را از دخالت و نقش آفرینی دور کنند.

ما در کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست اطلاعیه ای در حمایت از اعتراض و مبارزه برحق مردم کردستان عراق منتشر کرده ایم و برای گسترش و تعمیق مبارزه و پیروزی کارگران و زحمتکشان در کردستان عراق، در کنار کمونیست ها و آزادیخواهان خواهیم بود.

اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست

در حمایت از اعتراضات مردم شهرهای کردستان عراق

از دیروز موجی از اعتراضات و تجمعات اعتراضی به اوضاعی که احزاب حاکم بر مردم کردستان تحمیل کرده اند، اکثر شهرهای کردستان عراق را در بر گرفته است. هزاران نفر با برگزاری تجمع و راهپیمایی، خیابان های این شهرها را به تصرف خود در آورده اند و با شعارهای کوبنده و پلاکاردها خواستار برکناری حکومت اقلیم کردستان شده، سخنرانی های آتشینی علیه حاکمان ارائه شده و از این حکومت خواسته اند بساطش را جمع و دست از سر زندگی مردم بردارند. در بعضی از شهرها از جمله اربیل و دهوک نیروهای امنیتی با ضرب و شتم معترضین و تهدید آنها مانع ایجاد کرده اند.

البته این اولین بار نیست که در کردستان تجمعات و اعتراضات خیابانی برگزار میشود بارها و بارها بخصوص همزمان با مبارزات مردم در خاورمیانه و شاخ آفریقا که منجر به سرنگونی تعدادی از دیکتاتوری ها در منطقه گردید، مردم کردستان عراق هم بمیدان آمدند اما متأسفانه جنبش گوران که آن وقت ها در اپوزیسیون بود توانست با توهمی که ایجاد کرد مسیر این اعتراضات را به بیراهه ببرد. اما دیروز مردم علیه کل این دستگاه فاسد که جنبش گوران هم در آن شریک است شعار میدادند.

طرف چند سال گذشته علاوه بر بیکاری کارگران، هرچند ماه یکبار آن هم درصد کمی از حقوق کارمندان و معلمین و نیروهای پیشمرگ و بازنشستگان را پرداخت کرده اند. در مجموع شاید کمتر از ۲۰ درصد حقوق ها، آنهم با تاخیر پرداخت نموده اند. در کردستان عراق از یکطرف ثروت و سامان زیادی در دست احزاب حاکم و سرمایه داران انباشت شده و از طرفی دیگر میلیون ها نفر در فقر و بیکاری بسر میبرند. فاصله طبقاتی فراوان و فساد اداری و چپاول حاکمان کاری کرده است که مردم در خیابان ها علناً این حاکمیت را به مصاف طلبیده اند. مردم زیر بار زندگی سخت و مشقت بار قرار گرفته اند. رقابت و اختلاف دو حزب حاکم برای چپاول و سهم بیشتر و همچنین اختلافی که حکومت اقلیم با حکومت مرکزی برسر درآمدهای حاصل از نفت و گمرکات فشار را هر روز بر مردم بیشتر کرده است. طی سی سال گذشته مردم متوهم به ناسیونالیسم ماهیت این احزاب را شناخته و این در خیابان ها جار می زنند. برای رهایی از چنین وضعی باید مردم معترض و بجان آمده متحد و متشکل شوند.

کمونیست ها و آزادیخواهان باید برای سازماندهی توده های محروم دست بکار شوند. تجربه برای چندمین بار نشان داد که بدون دخالت خود مردم زحمتکش در شوراهای و نهادهای مردمی و دخالت کمونیستها هیچ راه دیگری نیست. احزاب ناسیونالیست حاکم بار دیگر نشان دادند که هیچ ربطی به منافع مردم کردستان ندارند. باید توهمات ضد مردمی ناسیونالیسم را بدور انداخت.

کمیته کردستان حزب حکمتیست ضمن محکوم کردن ضرب و شتم نیروهای امنیتی علیه تظاهرکنندگان از اعتراض و مطالبات برحق مردم کردستان عراق و فعالیت کمونیست ها حمایت میکند.

کمیته کردستان حزب حکمتیست

۱۲ اگوست ۲۰۲۰

نه به فقر، نه به تبعیض، مرگ بر جمهوری اسلامی!



زنده باد گارد آزادی
به گارد آزادی پیوندید

آدرس تماس با رهبری گارد آزادی

Gardd.azadi@gmail.com

0046739498231

Partou TV

تلویزیون پرتو

رسانه تصویری مزب حکمتیست

دبیر کمیته کردستان : صالح سرداری

Email:saleh.sardari@gmail.com

روابط عمومی کمیته کردستان: ابوبکر شریف زاده

Abo_sh2008@hotmail.com

اکتبر نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست است که هر
ماه یک بار منتشر می شود!

سردبیر نشریه : همایون گدازگر

Homayon_1954@yahoo.de

زنده باد تشکیل شوراها!